

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

گروه:

علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گرایش: اندیشه سیاسی اسلام

عنوان:

سیر تکون اندیشه حاکمیت سیاسی با تاکید

بر نزول آیات مدنی قرآن

استاد راهنما:

دکتر غلامرضا بهروزی لک

استاد مشاور:

دکتر آل غفور

نگارش:

محمدرضا رضایی الوار

اردیبهشت 1395

تقدیم به

تمام جوانانی که به دنبال سعادت‌مندی و خوشبختی دنیوی و
اخروی بوده و به دنبال راه و روش آن می گردند.

تقدیر و تشکر

مَنّت خدای را عزوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به

شکر اندرش مزید نعمت

خدای متعال را شاکرم که مرا در انجام این پروژه یاری نمود و امیدوارم این پروژه گامی هرچند کوچک در راستای تعالی کشور عزیزم باشد.

همچنین از اساتیدگرامی **دکتر بهروزی لک** و **دکتر آل غفور** به خاطر راهنمایی ها و مشاوره های ارزشمندشان کمال تقدیر و تشکر را دارم.

چکیده

در این پژوهش، سیر تکوینی اندیشه سیاسی پیامبر اکرم (ص) با توجه به آیات مدنی قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است که در آن برای بررسی آیات قرآن، از روش تفسیر تنزیلی که آیات را بر اساس ترتیب نزول تفسیر می کند استفاده شده است. در واقع با این روش، سیر تکاملی اندیشه سیاسی پیامبر در طول زندگی سیاسی ایشان، با آیات قرآن تطبیق داده شده است. بررسی مباحث سیاسی موجود در قرآن کریم و تطابق آنها با سیر زندگانی پیامبر اکرم(ص) ما را به این نتیجه می رساند که پیام ها و درس های قرآن کریم، دقیقاً با توجه به نیازهای زمان و آینده بوده است و در واقع، قرآن کریم بسته به شرایط زمان، روح و اندیشه سیاسی مسلمانان را به مرور رشد داده و دانه ای را در زمان زندگانی پیامبر در مکه کاشته است، از آن نگهداری نموده و از آن در مدینه با تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر و تثبیت و تداوم آن برداشت نموده است. در واقع این پژوهش را می توان ترکیبی از تفسیر تنزیلی و تفسیر موضوعی قرآن کریم دانست که موضوع اندیشه سیاسی را به ترتیب تنزیل آیات قرآن مورد بحث و تفسیر قرار داده است. بنابراین در این پژوهش، باید گفت که سیر نزول آیات سیاسی قرآن با سیر تفکر و زندگی سیاسی پیامبر(ص) همخوانی داشته است.

کلید واژه ها: اندیشه سیاسی پیامبر، اندیشه سیاسی در قرآن، سیر نزول آیات سیاسی قرآن

فهرست مطالب

1.....	مقدمه
2.....	مقدمه پژوهش:
2.....	طرح تفصیلی رساله
2.....	بیان مسئله
3.....	اهمیت و فایده تحقیق:
4.....	سابقه تحقیق:
4.....	اهداف تحقیق:
5.....	سوالات (اصلی و فرعی) تحقیق:
5.....	چارچوب نظری تحقیق:
5.....	پیش فرض های تحقیق:
6.....	روش تحقیق رساله:
6.....	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:
7.....	فصل اول:
7.....	مفاهیم و کلیات
7.....	1.1- مقدمه:
7.....	2.1- گفتار اول: مفاهیم
7.....	1.2.1- اندیشه سیاسی
9.....	2.2.1- حاکمیت سیاسی
9.....	3.2.1- واژگان حاکمیت سیاسی در قرآن کریم:
18.....	3.1- گفتار دوم: روش شناسی رساله: تفسیر تنزیلی
19.....	1.3.1- سیره ابلاغی و تعلیمی رسول الله
20.....	2.3.1- ویژگی مصحف امیرمؤمنان(ع)
21.....	3.3.1- ترغیب به ترتیب نزول

- 4_3_1 استنادات ائمه اطهار: به ترتیب نزول 22
- 5_3_1 قیاس با سبک موضوعی 22
- فصل دوم: **Error! Bookmark not defined.**
- بررسی دلالت‌های آیات مکی قرآن کریم برای زمینه سازی حاکمیت دینی **Error! Bookmark not defined.**
- 1_2 مقدمه **Error! Bookmark not defined.**
- 2_2 گفتار اول: ماهیت کلان آیات سیاسی مکی **Error! Bookmark not defined.**
- 3_2 گفتار دوم: گونه شناسی بحث حاکمیت سیاسی در آیات مکی **Error! Bookmark not defined.**
- 1_3_2 حکومت اسلامی: **Error! Bookmark not defined.**
- 2_3_2 حکومت طاغوت: **Error! Bookmark not defined.**
- 4_2 گفتار سوم: نخستین طرح ایده حاکمیت سیاسی در آیات مکی **Error! Bookmark not defined.**
- 5_2 گفتار چهارم: شاخصها و ویژگی های حاکمیت سیاسی در آیات مکی **Error! Bookmark not defined.**
- 1_5_2 دولتی توحیدی و آزادی خواه: **Error! Bookmark not defined.**
- 2_5_2 دولتی برای مردم: **Error! Bookmark not defined.**
- 3_5_2 قانون دولت اسلامی مبتنی شریعت: **Error! Bookmark not defined.**
- 4_5_2 دولت اسلامی دولتی تئوکرات نیست: **Error! Bookmark not defined.**
- 6_2 گفتار پنجم: دلالت‌های صریح یا ضمنی آیات مکی بر حاکمیت سیاسی پیامبر اسلام **Error! Bookmark not defined.**
- defined.**
- جمع بندی و نتیجه گیری فصل **Error! Bookmark not defined.**
- فصل سوم: **Error! Bookmark not defined.**
- بررسی دلالت‌های آیات مدنی قرآن برای زمینه سازی و ایجاد حاکمیت سیاسی **Error! Bookmark not defined.**
- 1_3 مقدمه **Error! Bookmark not defined.**
- 2_3 هجرت، مهمترین زمینه ساز حکومت اسلامی **Error! Bookmark not defined.**
- 3_3 اسلام و مهاجرت **Error! Bookmark not defined.**
- 1_3_3 نظام برادری **Error! Bookmark not defined.**
- 2_3_2 بنای مسجد النبی(ص) **Error! Bookmark not defined.**
- 4_3 جمع بندی و نتیجه گیری فصل **Error! Bookmark not defined.**
- فصل چهارم: **Error! Bookmark not defined.**
- بررسی دلالت‌های آیات مدنی قرآن در ابعاد شکل گیری، گسترش و ثبات حاکمیت سیاسی پیامبر (ص) **Error! Bookmark not defined.**
- not defined.**

Error! Bookmark not defined...... مقدمه 1-4

Error! Bookmark not defined...... آیات مدنی سیاسی قرآن کریم: 2-4

Error! Bookmark not defined...... 1-2-4 عدم قبول ولایت طاغوت

Error! Bookmark not defined...... 2-2-4 سزاوارتر بودن پیامبر نسبت به مومنان

Error! Bookmark not defined...... 3-2-4 پاداش فرمانبری از خداوند و رسول او

Error! Bookmark not defined...... 4-2-4 قایل شدن حق فرمانروایی برای خاندان حضرت ابراهیم

Error! Bookmark not defined...... 5-2-4 لزوم برقراری عدالت اجتماعی

Error! Bookmark not defined...... 6-2-4 لزوم داوری پیامبر

Error! Bookmark not defined...... 7-2-4 لزوم برقراری عدالت اجتماعی

Error! Bookmark not defined...... 8-2-4 هدف ارسال انبیا، برپایی عدالت است

Error! Bookmark not defined...... 9-2-4 لزوم داوری بر اساس حکم خداوند:

Error! Bookmark not defined...... 3-4 جمع بندی فصل:

Error! Bookmark not defined...... فصل پنجم:

Error! Bookmark not defined...... آیات ناظر به تثبیت، تداوم و الگوسازی حاکمیت سیاسی نبوی (ص)

Error! Bookmark not defined...... مقدمه 1-5

Error! Bookmark not defined...... 2-5 آمادگی نظامی

Error! Bookmark not defined...... 3-5 تداوم ولایت از منظر قرآن کریم:

Error! Bookmark not defined...... 1-3-5 لزوم اطاعت از پیامبر

Error! Bookmark not defined...... 2-3-5 آیه اکمال

Error! Bookmark not defined...... 4-5 جمع بندی و نتیجه گیری فصل

Error! Bookmark not defined...... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined...... منابع

مقدمه

از آنجا که یکی از تفاوت های حکومت اسلامی با سایر سبک های حکومتی این است که یک پیوند قلبی به عنوان ولایت پذیری بین مردم و حکومت یا حاکم اسلامی وجود دارد، و این پیوند حاصل اعتقادات و اندیشه سیاسی مردم و همینطور حاکم اسلامی می باشد، ضرورت بررسی حوزه اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه در صدر اسلام ضرورت پیدا می کند تا بتوانیم از طریق مطالعه موضوع فوق الذکر به چگونگی ایجاد این پیوند عاطفی بین مردم و حکومت دست یابیم. از آنجا که حکومت پیامبر اکرم (ص) اسوه هر حکومت اسلامی است، بررسی دقیق و مرحله به مرحله پیشروی این حکومت به تأثیر متقابل اندیشه سیاسی حاکم سیاسی (که خود پیامبر اسلامی (ص) بوده است) و مردم ضروری می نماید. در این پژوهش، برای بررسی اندیشه سیاسی پیامبر (ص)، از آیات قرآن کریم کمک گرفته شده است و هدف در این پژوهش، بررسی سیر تکاملی اندیشه سیاسی پیامبر که همان اندیشه سیاسی اسلام است، می باشد که بر اساس سیر نزول آیات سیاسی قرآن کریم در مکه و مدینه به این مهم دست یافته ایم. امیدواریم این پژوهش گامی باشد هرچند کوچک در تبیین مبانی اندیشه سیاسی اسلام و تثبیت حکومت اسلامی کنونی و در نتیجه پیشرفت همه جانبه میهن عزیزمان.

مقدمه پژوهش:

طرح تفصیلی رساله

بیان مسئله

پیامبر اسلام بعد از بعثت، مدت اقامتی که در مکه داشتند به جهت شرایط موجود در مکه و دشمنی های مشرکان و فضای خفقان، درصدد جذب و تربیت افراد بودند و به عبارت دیگر حضرت رسول در دوران سخت و طاقت فرسای مکه بیشتر به فکر کادر سازی و تربیت نیرو بودند لذا فرصت و امکان ایجاد حکومت در مکه برایشان فراهم نبود، اما با پیمانی که بین اهل یثرب و ایشان منعقد گردید و منجر به هجرت مسلمانان به مدینه شد انصار و مهاجران در مدینه دور حضرت ختمی مرتبت گرد آمدند و اولویت ایشان نسبت به خودشان را قولا و عملا قبول کردند و این همه سبب قدرت یافتن پیامبر شده و شرایط ایجاد یک حکومت را برای پیامبر فراهم آورد و حضرت به تدریج اقدام به ایجاد حکومت کرده و به مرور زمان بر قدرت حکومتی خویش افزودند.

اولین اقدام پیامبر اکرم هنگام ورود به مدینه که ساختن مسجد بود نیز در راستای ایجاد حاکمیت بود چرا که مسجد نماد دین اجتماعی و عامل همبستگی و اتحاد بود و همین اتحاد ایجاد قدرت و حاکمیت می کند و باعث ثبات و امنیت یک جامعه می گردد، علاوه بر امنیت دین اسلام تکیه گاهی مطمئن برای اجرای قوانین خود لازم دارد تا ضامن اجرای قواعد و قوانینش شود و مسلمانان به راحتی بتوانند بندگی خدای یگانه را بنمایند و این تکیه گاه همان حاکمیت مورد نظر پیامبر بود که برای دست یافتن بدان اقدام نمودند. و از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، نیازهای گوناگونی از قبیل: نیازهای عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، او را و می دارد تا به تأسیس حکومت پردازد. بر این اساس و در راستای تأمین این نیازها و قانونمند نمودن نیازهای انسان و اجرا نمودن قوانین وضع شده، اسلام و در رأس آن پیامبر اکرم (ص) نیز اقدام به ایجاد حاکمیت سیاسی نمودند.

اما این امر (حاکمیت اسلامی) ساخته و پرداخته پیروان اسلام نیست؛ بلکه حقیقتی است که نصوص انکارناپذیر و قاطع اسلام و حوادث ثابت تاریخی و ساختار رسالت، آن را اثبات می نماید و می توان به آیات 58 و 59 سوره نساء استناد نمود که خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»

ضمن آنکه توانایی‌های فکری و عملی پیامبر اکرم(ص) از جانب وحی، مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت، اما ایشان نیز در راستای تبلیغ و معرفی اسلام و جامه عمل پوشاندن بدانچه به ایشان وحی شده بود، از هیچ تلاش و کوششی کوتاهی نمی‌نمود و در این راستا میان قبایل حجاز می‌رفت و آنان را به ایمان و اسلام و حمایت از دعوت خویش فرا می‌خواند و این موضوع با قرار گرفتن دو قبیله مهم مدینه؛ یعنی اوس و خزرج در مسیر ایمان، تحقق پذیرفت. این امر با هیأتی متشکل از 73 زن و مرد که در ایام حج به خدمت پیامبر اکرم(ص) مشرف گردیدند و براساس تبعیتی که مبنی بر اطاعت همه‌جانبه از تمامی دستورات پیامبر اکرم(ص) انجام پذیرفت، به اوج و رونق خود نائل آمد و راه را برای ایجاد حاکمیت اسلامی در مدینه فراهم آورد. بنابراین مدینه پایگاه و مرکز حکومت نوین اسلام قرار گرفت. و این حاکمیت سیاسی ایجاد شده در مدینه توسط پیامبر بزرگوار اسلام بواسطه راهنمایی‌های باری تعالی از طریق آیات مدنی قرآن بوده که به تدریج و بر اساس فرایندی تکمیلی تنزیلی بر حضرت نبی(ص) نزول یافتند.

لذا مساله پژوهش حاضر تکون اندیشه حاکمیت سیاسی پیامبر در مدینه با تاکید بر نزول آیات مدنی قرآن خواهد بود. انتخاب موضوع این پژوهش از آن جهت حائز اهمیت است که با امروزه بسیاری از افراد، علی‌رغم ایمان داشتن به قرآن کریم، در مبانی حکومت اسلامی دچار مشکل هستند و حکومت سیاسی را جزو مبانی اسلامی نمی‌دانند در صورتی که تبیین اندیشه سیاسی پیامبر اکرم در قرآن کریم، می‌تواند پاسخی به این اعتقادات شبهه‌ناک باشد و رابطه بین دین و سیاست را به خوبی تبیین نماید.

اهمیت و فایده تحقیق :

بحث در موضوع حاکمیت سیاسی پیامبر اسلام از جهت اجتماعی بودن دین اسلام و قوانین و مقررات آن ضروری می‌نماید چرا که ثابت می‌کند دین اسلام دینی غیر رهبانی بوده و برای تمام مراحل زندگی بشری در تمام زمانها دستوراتی دارد و واضح است که تشکیل حکومت و ایجاد حاکمیت سیاسی لازمه اساسی نشر آموزه‌های یک دین کامل بوده و متضمن اجرای قوانین آن می‌باشد لذا پیامبر اسلام در اولین فرصت به دست آمده اقدام به این امر مهم نمودند و با راهنمایی‌های آیات شریفه قرآن که به تدریج و به صورت نظام یافته بر حضرت رسول(ص) نازل شدند حاکمیت دینی را

ایجاد کردند که با کنار هم گذاشتن این آیات به روش تنزیلی به فهم عمیقی از فرایند تحقق دولت نبوی دست خواهیم یافت.

سابقه تحقیق :

در موضوع حکومت دینی کتاب ها و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده که در موضوع تحقیق ما یعنی تکون اندیشه حاکمیت سیاسی پیامبر اسلام از منظر نزول آیات مدنی قرآن می توانند کمک بسزائی به ما بنمایند اما این کتاب ها و مقالات تمام مطلب در موضوع مذکور را در متن خود جای نداده اند، کتاب هایی چون سیاست و حکومت در قرآن نوشته آقای قاضی زاده که در نوع خود کتاب ارزشمندی است اما به موضوع خاص پیامبر و حاکمیت سیاسی ایشان در مدینه با تاکید بر نزول آیات قرآن به نحوی که مد نظر ماست نمی پردازد، یا کتاب دولت رسول خدا تالیف صالح احمدالعلی که بیشتر به فعالیت های مختلف دولت پیامبر می پردازد نه نحوه شکل گیری حاکمیت سیاسی پیامبر لذا برای موضوع مذکور قابل استفاده بوده اما کافی نمی باشد کتاب پیامبری استاد جلال الدین فارسی که یک جلد از دوره سه جلدی آن مختص بر حکومت پیامبر می باشد و از آیات قرآن هم استفاده زیادی در این زمینه نموده است اما بیشتر جنبه تاریخی بحث را مدنظر گرفته و نحوه شکل گیری حاکمیت سیاسی پیامبر را بر اساس تنزیل آیات قرآن کریم برجسته نکرده و فرایند این شکل گیری را به دست نمی دهد لذا ما برآن شدیم در زمینه تکون اندیشه حاکمیت سیاسی پیامبر در مدینه بر اساس نزول آیات مدنی قرآن را مورد تحقیق قرار دهیم. کتاب دکتر تیجانی با عنوان «اندیشه سیاسی در آیات مکی قرآن» را می توان مرتبط ترین کتاب به موضوع پژوهش نامید که زمینه سازی های تشکیل حکومت اسلامی را که توسط قرآن را مکه انجام شده است مورد بحث و بررسی قرار داده است. که در این پژوهش از قسمت هایی از کتاب مذکور استفاده خواهد شد.

اهداف تحقیق :

مهمترین هدف این تحقیق تبیین فرایند تکون حاکمیت سیاسی پیامبر در مدینه بوسیله آیات مدنی قرآن کریم است. در واقع با بررسی این سیر تکون اندیشه سیاسی پیامبر می توان به روش های ترویج و زمینه سازی حکومت سیاسی از عصر حاضر نیز دست پیدا کرد که این موضوع نیز از اهداف مهم این پژوهش می باشد.

تبیین الگوی حاکمیت سیاسی پیامبر ص برای عصر حاضر.

سوالات (اصلی و فرعی) تحقیق :

سوال اصلی: سیر تکون اندیشه حاکمیت سیاسی پیامبر (ص) در مدینه بر اساس نزول آیات مدنی چه بوده است؟

سوالات فرعی:

روش تفسیر آیات قرآن کریم بر اساس ترتیب نزولی برای تبیین حاکمیت سیاسی پیامبر (ص) در مدینه چیست؟

آیات و رهنمودهای قرآن کریم در مکه برای زمینه سازی حاکمیت دینی پیامبر(ص) در مدینه چه بوده است؟

نخستین رهنمودهای قرآنی برای زمینه سازی و ایجاد حاکمیت سیاسی پیامبر اکرم (ص) در مدینه چیست؟

آیات ناظر به ابعاد شکل گیری و گسترش حاکمیت سیاسی نبوی (ص) چیست؟

آیات ناظر به تثبیت، تداوم و الگوسازی حاکمیت سیاسی نبوی (ص) چیست؟

چارچوب نظری تحقیق :

چارچوب نظری پژوهش حاضر تحلیلی بوده و براساس الگوی تفسیر تنزیلی قرآن می باشد.

پیش فرض های تحقیق :

الف: پیامبر در مدینه حاکمیت سیاسی ایجاد کردند

ب: حاکمیت سیاسی ایجاد شده در مدینه توسط پیامبر اکرم (ص) با راهنمایی های آیات قرآن بوده است

روش تحقیق رساله:

روش تحقیق رساله توصیفی- تحلیلی می باشد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش بر اساس روش تفسیر تنزیلی قرآن می باشد، تفسیر تنزیلی قرآن یکی از روش های تقریباً جدید تفسیر قرآن است کاری که در ترتیب نزول انجام می شود، سازماندهی سوره به گونه ای است که در آن فضای تاریخی نزول فهمیده شود. همچنین وقتی سوره های کلام خدا را به ترتیب نزول آن مرتب کنیم، این کار خود به خود فضاهای نزول را بازسازی می کند و مخاطب را در آن شرایط فرهنگی خاص نزول سوره قرار می دهد. بنابراین ترتیب نزول، روایات را اصلاح و سبب های نزول را نیز بازسازی می کند.

همچنین سازماندهی پژوهش نیز به شکل زیر می باشد:

مقدمه: طرح تفصیلی تحقیق

فصل اول: کلیات و مفاهیم

- مفاهیم: حاکمیت سیاسی

- الگوی تحلیلی رساله: تفسیر تنزیلی

فصل دوم: بررسی دلالت های آیات مکی قرآن کریم برای زمینه سازی حاکمیت دینی پیامبر (ص) در مدینه

فصل سوم: بررسی دلالت های آیات مدنی قرآن برای زمینه سازی و ایجاد حاکمیت سیاسی پیامبر اکرم (ص)

فصل چهارم: بررسی دلالت‌های آیات مدنی قرآن در ابعاد شکل‌گیری و گسترش حاکمیت سیاسی پیامبر (ص)

فصل پنجم: آیات ناظر به تثبیت، تداوم و الگوسازی حاکمیت سیاسی نبوی (ص)

نتیجه‌گیری

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

۱-۱- مقدمه:

قبل از انجام هر پژوهشی باید با مفاهیم اولیه و ادبیات موضوع مرتبط با حوزه مورد پژوهش آشنا شویم و بر سر اصطلاحات و مفاهیم آنها با مخاطب توافقاتی را به عمل آوریم، تا بتوانیم در طول روند پژوهشی به درستی از هر مفهوم در جای خودش استفاده نموده و سبب تسهیل در روند پژوهشی و همچنین تسهیل در فهم مخاطب از روش و نتایج پژوهش شویم. در این فصل به بیان مفاهیم مربوط به اندیشه سیاسی، حاکمیت سیاسی و همچنین روش شناسی تحقیق یعنی مفاهیم تفسیر تنزیلی خواهیم پرداخت.

۱-۲- گفتار اول: مفاهیم

۱-۲-۱- اندیشه سیاسی

فکر یا اندیشه، حاصل دو حرکت است: حرکت از مجهول مطلوب به سوی معلوم و از معلوم به سوی مجهول مطلوب، برای روشن ساختن مجهول. مرحوم مظفر با دقتی بیشتر، فکر را چنین تعریف کرده است:

«اجراء عملیة عقلیة فی المعلومات الحاضرة لأجل الوصول إلى المطلوب»؛ انجام عملیات عقلی در معلومات حاضر در ذهن، برای دستیابی به مطلوب^۱.

وی در این عملیات عقلی، پنج مرحله را از هم تفکیک کرده است:

1- روبرو شدن با مشکل که همان مجهول است.

- 2- شناخت نوع مشکل، چرا که گاهی با مشکلی روبرو هستیم که از نوع آن آگاهی نداریم.
- 3- حرکت عقل مرحله اول، از مشکل به معلوماتی که نزدش آموخته است.
- 4- حرکت عقل مرحله دوم میان معلومات، برای بررسی آنها تا آنچه را برای مشکل مناسب است، گردآوری کرده، در جهت حل آن مشکل به سامان آورد.
- 5- حرکت عقل مرحله سوم از معلومات گردآوری شده، از آنچه نزد او است، به سوی مطلوب^۲.

اندیشه‌ی پدیده‌های سیاسی، اندیشه سیاسی، است که پدیده سیاسی نیز، در جامعه سیاسی تحقق می‌یابد. اندیشیدن پیرامون امر سیاسی با قدمتی حدود سه هزار سال تاریخ مکتوب نشان از اهمیت اندیشه نظام‌مند پیرامون امر سیاسی دارد. مفهومی عام اندیشه سیاسی که حوزه‌های مختلفی از اندیشیدن نظام‌مند در مورد امور سیاسی، چون: فلسفه، کلام، فقه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ادبیات نظریات مدرن و ما بعد مدرن را شامل می‌شود. به این معنا، فلاسفه، متکلمان، فقها، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، ادیبان و نظریه‌پردازان هر یک در تلاش بوده‌اند تا با رویکرد خود امر سیاسی را مورد توجه قرار دهند که مجموعه این‌ها تاریخ اندیشه سیاسی را پدید آورده است^۳.

اندیشه سیاسی اسلام نسبتی با دین اسلام و پیش‌نیازی به نام دین یا اسلام است. از این روی این پرسش مطرح می‌شود که اجزای دین اسلام و عناصر مقوم آن چیست؟ پاسخ به این پرسش در تبیین اندیشه سیاسی اسلام مهم است. از دیرباز دین اسلام در یک تقسیم‌بندی، به سه بخش عمده اعتقادات، اخلاق و احکام فقهی و عملی دسته‌بندی شده است. به عنوان نمونه کتاب «اصول کافی» کلینی حدود هزار سال قبل، بر مبنای این دسته‌بندی به تدوین روایات و احادیث پس از غیبت کبری پرداخته است. جلد اول به اصول دین، جلد دوم به دستورات اخلاقی و جلدهای بعد با عنوان فروع کافی به فروع دین و فقه اختصاص یافته است^۴. احمد نراقی نیز از این سه گروه به عنوان علوم واجب یاد کرده است. صاحب نظران برجسته اسلامی آن را در مباحثات علمی خویش در طول تاریخ پروراندند. علامه طباطبایی با صراحت و توجهی خاص در کتب و مقالات و در تفسیرالمیزان به این الگوی سه‌گانه پرداخته‌اند و دین را شامل بخش عقاید، اخلاق و احکام (عملی) دانسته‌اند^۵.

2 پایگاه حوزه، 1386

3 برزگر، 1389:ص15

4 قاضی زاده، 1382:ص17

5 برزگر، 1389:ص17

۱-۲-۲- حاکمیت سیاسی

حاکمیت به شکل خلاصه به معنی اقتدار سیاسی عالیه است. این مفهوم بنیاد نظام بین الملل مدرن را فراهم آورده و به نظام دولت-ملت معاصر مشروعیت می بخشد. در سطح ابتدایی، حاکمیت به معنای کنترل بر مردم و فضای جغرافیایی است. این گونه کنترل معمولاً از درون ساختار حکومت اعمال می گردد و تاریخ، نمایانگر رشد مداوم در حاکمیت توسط حکومت های ملی و قدرت متمرکز است.^۶

از لحاظ فلسفه سیاسی، درباره قدرت و حاکمیت سیاسی، دو سوال مطرح است که باید به آن پاسخ داد: نخست منشا حاکمیت چیست؟ (قدرت در کجاست و از چه کسی ناشی می شود؟) و دوم اینکه حق فرمانروایی با کیست و چه کسی باید فرمانروا باشد. درباره پرسش اول نظریه های مختلفی ابراز شده است که مهم ترین آن ها نظریه الهی (تئوکراتیک) و نظریه حاکمیت مردم (دموکراتیک) می باشد.^۷

مدافعان نظریه حاکمیت تئوکراتیک معتقدند که منشا قدرت سیاسی خداست و بر این باورند که زمامداران، قدرت خود را از خداوند به دست می آورند. اما به عکس طرفداران نظریه حاکمیت مردم، عقیده دارند که منشا قدرت سیاسی، خود مردم هستند و زمامداران قدرت خود را از آنها می گیرند.^۸

۱-۲-۳- واژگان حاکمیت سیاسی در قرآن کریم:

در قرآن کریم واژه هایی وجود دارند که دارای محتوای سیاسی بوده و مفهوم حاکمیت سیاسی را منتقل می کنند. وجود این واژگان در آیات می تواند محتوای سیاسی به آیات ببخشد. بررسی این واژه ها خالی از لطف نیست. در این قسمت چهار واژه حکم، اطاعت، امام و ولایت که در زمره این واژگان قرار دارند را مورد بررسی قرار می دهیم

۱-۳-۲-۱- حکم

واژه عربی حکم از ریشه «حَ كَمَ م»، به معنای قضاوت کردن، فرمان دادن، دانش و حکمت است.^۹ معنای اصلی حکم، منع بوده و از آن رو به کسی که در میان مردم داوری می کند حاکم می گویند که ستمگر یا طرفین دعوا را از ستم کردن منع می کند. حکم و مشتقات آن بارها به معانی گوناگون در قرآن کریم آمده است. در آیات بسیاری معنای حکم را قضاوت کردن خداوند و پیامبران او و گاه

6 جعفری، 1373:ص26

7 برزگر، 1389:ص17

8 خسروی، 1387

9 ابن اثیر، 1364 ش

فرمان دادن دانسته‌اند. در برخی آیات از اعطای حکم به شماری از پیامبران الهی، غالباً همراه با صفت والای علم، سخن رفته است که مفسران معانی گوناگونی برای واژه حکم در این آیات ذکر کرده‌اند، از جمله: رسیدن به نبوت، حکمت، فهم، عقل، فهم دین، رفع منازعات و اختلافات میان مردم، قضاوت کردن، حکمت عملی، حاکمیت بر نفس، شریعت و داشتن فهم و عقل پیش از نبوت^۱.

در شماری از آیات (رجوع کنید به مائده: 50؛ انعام: 57، 62؛ یوسف: 40، 67؛ قصص: 88)، حکم تنها از آن خداوند به‌شمار رفته است که آن را به معنای قضاوت کردن، جدا ساختن حق و باطل یا دارای مفهومی وسیع، که شامل خلق تکوینی و تشریحی می‌شود، دانسته‌اند. قرآن از مؤمنان خواسته که تعارضات میان خود یا اختلافات خود با پیروان سایر ادیان را بر پایه حکم الهی، که در دیگر کتابهای آسمانی هم آمده است، حل و فصل کنند (مقاتل بن سلیمان؛ طوسی؛ طبرسی، ذیل مائده: 43، ممتحنه: 10، شوری: 10). در برخی آیات (رجوع کنید به مائده: 44، 45، 47) گردن نهادن به حکم و دستوره‌های الهی که در مقام داوری یا بیان احکام اعلام می‌شود، معادل کفر و ظلم و فسق به‌شمار رفته است^{۱۱}.

خداوند براساس آیات قرآن کریم، حکم و داور علی‌الاطلاق است، در حکمش هیچ شریکی ندارد، به آنچه بخواهد حکم می‌کند و هیچ چیز نمی‌تواند داوری‌اش را مانع شود، زیرا خدا بهترین حکم‌کنندگان است و به همین سبب است که مؤمنان باید تنها خدا را داور قرار دهند، مطیع حکم الهی باشند و در قبال آن صبر پیشه کنند و بر او توکل نمایند^{۱۲}.

کتب آسمانی نازل شده بر پیامبران، متضمن حکم الهی‌اند و پیامبران و مردم مکلف شده‌اند که براساس آن‌ها داوری کنند و هر کس چنین نکند در زمره کافران، ظالمان و فاسقان است^{۱۳}.

شان داوری و حاکمیت خداوند تنها خاص این دنیا نیست، بلکه در قیامت هم خداوند است که میان بندگان خود حکم می‌کند^{۱۴}.

همچنین قرآن، برخی پیامبران را نام می‌برد که خدا به آن‌ها «حکم» اعطا کرده است. دیگر آن که مردم نباید طاغوت را حکم قرار دهند یا به دنبال داوری (حکم) جاهلیت باشند^{۱۵}.

10 (برای نمونه رجوع کنید به طبری؛ طبرسی؛ فخر رازی؛ طباطبائی، 1390-1394، ذیل آیات).

11 برزگر، 1389:ص21

12 قاضی زاده 1382:ص17

13 جعفری، 1373:ص32

14 قاضی زاده 1382:ص18

15 (مائده/50)

۲-۳-۲-۱- اطاعت

فرمان بردن را اطاعت گویند. از آن در فقه در باب‌هایی نظیر طهارت، نماز، روزه، اعتکاف، حج، جهاد و ازدواج و مانند آن‌ها سخن رفته است. اطاعت، مقابل عصیان و به معنای موافقت واقعی مکلف با حکم خداوند است که از راه قطع یا حجت معتبر به دست آمده باشد، مثل این که انسان به حرمت چیزی - شرب خمر (قطع پیدا کند) و آن را ترک نماید و آن چیز در واقع هم حرام باشد؛ یعنی قطع او مطابق واقع باشد. واژه اطاعت و مشتقات آن ۷۸ بار در قرآن به کار رفته است و مضمون آن از برخی آیات نیز که مشتمل بر این واژه و مشتقات آن نیست، استفاده می‌شود. اطاعت بر دو گونه تکوینی و تشریحی می‌باشد:

اطاعت تکوینی

این اطاعت خود در دو بخش قابل بررسی است:

اطاعت تکوینی از فرمان الهی

موجودات عالم دو نحوه وجود دارند: یکی وجود علمی که جایگاه آن صُقع ربوبی است و دیگری وجود عینی که مرتبه فعل خداوند و عالم خارج ظرف آن است. وجود علمی اشیا سایه‌ها و مرتبه نازل اسماء و صفات در مرتبه واحدیت است و از لوازم ذات، بلکه به اعتباری عین ذات حق است. از این رو اطاعت در آن قابل تصور نیست؛ اما وجود عینی اشیا مسبوق به اراده خداست: «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ خطاب «كُنْ» به مرتبه شئیت اشیا که همان وجود علمی آنهاست، تعلق دارد و اشیا بر اثر آن با طوع و رغبت (بدون تجافی) از مرحله علم به مرحله عین درآمده اند و به صورت وجود خارجی ظاهر می‌شوند. این همان چیزی است که از آن به عنوان «اطاعت تکوینی» اشیا تعبیر شده و همه موجودات است، اعم از جاندار و بی‌جان و عاقل و غیرعاقل را در بر می‌گیرد.^{۱۶}

بدیهی می‌باشد که امتثال و فرمانبرداری یاد شده از روی میل و رغبت است؛ نه کره و اضطرار، از اینرو می‌توان آن را اطاعت نامید؛ اما باید خاطر نشان کرد که موجودات عالم ماده در دو وجهه اند: ملکوتی و مُلکی. فرمانبرداری موجودات با توجه به وجهه ملکوتی آنها که سراسر علم و شعور و حیات و اراده و قدرت و حضور است، از روی میل و رغبت به وضوح قابل تصور است؛ اما با توجه به وجهه مُلکی اشیا و مراعات خصوصیات عالم ماده که عالم احتجاب و تزاحم و تضاد است، فرمانبرداری موجودات به نحو کره و اجبار رخ می‌نماید و چنانچه هر دو وجهه گفته شده مورد نظر قرار گیرد، از اطاعت به «اسلام» تعبیر می‌شود که اعم از طوع و کره است: «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ

والأرض طوعاً وكرهاً...»؛ ، اشیا در اصل تحقق وجود آنها، افزون بر اطاعت تکوینی در پذیرش هرگونه تغییر و تحولی در اوصاف و کمالات وجود (ذاتی و عرضی) نیز مطیع فرمان پروردگارانند و آیاتی که عبودیت سجده تسبیح و قنوت همه موجودات را بیان می کنند، هریک حکایت از اطاعت اشیا در اوصاف وجود دارد؛ در برخی آیات همچنین به اطاعت تکوینی برخی از موجودات در اوصاف وجود اشاره شده است؛ مانند زمین که در داستان نوح (علیه السلام) آب خود را فرو برد: «يَأْرَضُ أَبْلَعِي مَاءَ كِ»؛ یا آسمان که در همان واقعه از باران باز ایستاد: «يَسْمَاءُ أَقْلَعِي»، یا چشم و گوش و پوست مجرمان که به زیان آنان شهادت می دهند: «حَتَّى إِذَا مَا جَاءَهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • وَقَالُوا... أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي...»؛ اصحاب سبت که به بوزینه تبدیل شدند: «فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ»؛ آتش نمرود که بر ابراهیم (علیه السلام) سرد و سلامت شد: «يَنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا...»؛ زمین که به فرمان خدا رام انسان است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا...»؛ بلد طیب که به اذن خدا گیاه خود را می رویاند: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ»؛ سنگ سجیل (سنگ گل) که اصحاب ابرهه را هدف قرار داد: «تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ»؛ آسمان که به فرمان خدا شکافته می شود: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ • وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» زمین که به اذن حق اخبار خویش را باز می گوید: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»؛ بادها که درختان را بارور می سازند: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوْفِحَ»؛ و زنبور عسل که از کوهها خانه اختیار می کند و از شهد همه میوهها عسل می سازد: «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا... ثُمَّ كُلِّي مِنَ كُلِّ الشَّجَرِ...»^{۱۷}؛

اطاعت تکوینی از غیر خداوند:

در اصل وجود و کمالات و اوصاف، اطاعت تکوینی موجودات بالاصاله در برابر فرمان الهی است؛ اما ممکن است با مشیت الهی، موجودات از فرمان انسان هایی همچون پیامبران نیز در هر دو بعد یاد شده اطاعت تکوینی داشته باشند، چنان که کوه ها و پرندگان در تسخیر داود (ع) بودند، از او اطاعت می کردند و به هر جا که اراده وی بود، باز می گشتند: «إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ • وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ»؛ و جریان باد و شیطان های بنا و غواص و شیطان های در غل و زنجیر که مطیع و فرمانبر سلیمان (علیه السلام) بودند: «فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ... الشَّيْطَانَ كُلَّ بَنَاءِ وَغَوَاصٍ...»؛ و آفریدن پرنده از گل و زنده ساختن مردگان و شفادادن کور مادرزاد که به اذن خداوند، به دست عیسی (ع) صورت گرفت: «...إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي...»؛ و افتادن خرما از درخت خشکیده که برای مریم واقع شد: «...تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا»؛ و اطاعت اجزای به هم آمیخته چهار مرغ در پی فراخواندن ابراهیم (ع): «...فَخَذَ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ... ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا»^{۱۸}

اطاعت تشریحی

اطاعت تشریحی فرمانبری ارادی از حکم و قانونی است که از ناحیه شخص برخوردار از حق تشریح و آمریت، اعتبار شده باشد. بدیهی است که این اطاعت در حوزه رفتار ارادی موجودات مختار، مانند انسان معنا می یابد و پذیرش آن در گرو نفی مسلک جبر می باشد و بر مبنای ارادی بودن اطاعت است که اطاعت و عصیان، ارزش یا ضد ارزش محسوب می شود.^{۱۹}

اطاعت خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم (ع)، به حکم عقل و تصریح قرآن کریم بر همه مردم، واجب است.^{۲۰}

موارد اطاعت تشریحی به تفصیل به شرح زیر است:

اطاعت از خداوند:

حق اطاعت بالاصاله، براساس نگرش توحیدی در ربوبیت تشریحی، ویژه ذات ربوبی است و اگر اطاعت از حکم و فرمان غیر خداوند به فرمان و اذن الهی نباشد، به شرک در اطاعت منتهی می شود. شماری از آیات قرآن به اطاعت از خدا اشاره کرده و آن را لازم شمرده است: امر به اطاعت از خداوند، «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ...»؛ در آیات یاد شده ارشادی است؛ نه مولوی و گرنه موجب تسلسل می شود، چون این عقل انسان است که او را به اطاعت از پروردگار وا می دارد و آیات «أَطِيعُوا اللَّهَ» وی را به آن حکم عقلی ارشاد می کند یا می تواند تأکید حکم عقل باشد.^{۲۱}

اطاعت از پیامبر اسلام:

اطاعت از پیامبر اسلام (ص)، در آیات فراوانی، در ردیف اطاعت از خدا، مطرح شده است؛ مانند: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...»؛ اطاعت از پیامبر (ص)، با توجه به اینکه به دستور خدا لازم شده است، اطاعت از وی اطاعت از خدا محسوب می شود.^{۲۲} «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛ پیامبر، نه تنها در زمین که در آسمان ها نیز واجب الاطاعه است و فرمانش را فرشتگان اطاعت می کنند، از این رو در شب معراج، فرشتگان به فرمان پیامبر درهای بهشت را

19 جوادی آملی، 1382:ص5

20 جوادی آملی، 1382:ص6

21 قاضی زاده 1382:ص22

22 جوادی آملی، 1382:ص8

گشودند. «مُطَاعَ تَمَّ آمِينَ»؛ و چون شریعت محمدی (ص) تا قیامت پابرجاست، اطاعت از فرمان های آن حضرت پس از وفات ایشان نیز واجب است^{۲۳}.

اطاعت از اولی الامر:

گروهی دیگر که در قرآن به اطاعت از آنان امر شده است، اولی الامر هستند: «...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»؛ اولی الامر را مفسران عامه بر مصادیق گوناگونی مانند اصحاب پیامبر، خلفای راشدین، اهل علم و فقه، فرماندهان جنگی، والیان و حاکمان و اهل حل و عقد تطبیق کرده اند اما بیشتر مفسران شیعه، بر اساس مطلق و بی قید و شرط بودن امر به اطاعت از اولی الامر، لزوم عصمت اولی الامر را استفاده کرده و آن را بر امامان دوازده گانه (ع) تطبیق داده اند. در روایات فراوان منقول از اهل بیت (ع)، این مطلب نیز تأکید شده است، چون وجوب اطاعت مطلق مانند اطاعت از خدا و رسول در صورتی پذیرفتنی است که فرد از خطا مصون باشد و هرگز به کار خطا و زشت فرمان ندهد و چنین ویژگی را در امیران یا عالمان نمی توان یافت، بنابراین، اولی الامر به امامان دوازده گانه اختصاص خواهد داشت^{۲۴}.

البته کسانی هم که اولی الامر را مخصوص معصوم نمی دانند، بر این معنا تأکید دارند که اطاعت از امیران و رهبران سیاسی جامعه اطاعت مطلق نیست، بلکه تا زمانی است که فرمانروایی آن ها بر اساس مصالح عمومی اجتماعی بوده و عصیان و تخطی از اوامر الهی نباشد. در روایات معروف نیز نقل شده است که اطاعت، در فرمان به معصیت روا نیست. از امیر مؤمنان (ع) نقل شده است که امام حق باید بر اساس عدل حکمرانی کند و امانتدار باشد و در این صورت است که مردم باید از او فرمانبرداری کنند. پس نظام سیاسی حاکم بر جامعه در صورتی مشروعیت دارد و می تواند الزام سیاسی کند که در مقام اجرا و تنفیذ حکم نازل شده از سوی خداوند باشد و طبق قوانین شرعی حکم کند و چنانچه التزام سیاسی جامعه از نظام، موجب معصیت الهی باشد باید ترک گردد. «لادین لمن دان بطاعة المخلوق فی معصیة الخالق»؛ «کسی که از مخلوق در معصیت الهی پیروی کند، دین ندارد»^{۲۵}.

اطاعت از پیامبران:

23 قاضی زاده 1382:ص23

24 برزگر، 1389:ص25

25 قاضی زاده 1382:ص25

خداوند به اطاعت از همه پیامبران فرمان داده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ و قرآن از پیامبرانی چون عیسی، نوح، هود، صالح، لوط و شعیب نقل می کند که پیام مشترک آنان برای قوم خود، امر به تقوای الهی و اطاعت از خویش بوده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» در پاره‌ای از موارد، پیش از بیان پیام گفته شده، جمله «أَنْتُمْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»؛ ذکر شده و نشان می دهد که پیامبران، چون رسول الهی بوده و برای بر دوش گرفتن بار سنگین رسالت، امین هستند، این امانتداری علت لزوم اطاعت از ایشان است. و تکرار این پیام از سوی پیامبران اولوالعزم و غیر اولوالعزم گویای جوهره و فلسفه بعثت است؛ یعنی دعوت به اطاعت از کارهایی که مقرب ثواب و مبعّد عقاب می شود و سعادت بشریت را تأمین می کند. پیامبران، هرچند در برخی فروع جزئی شریعت، بر اثر مقتضیات زمانی گوناگون‌اند؛ ولی در پیام اطاعت هم آوا بودند.^{۲۶}

آیات اطاعت از رسول اکرم:

آیات مربوط به اطاعت از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دو دسته است: در برخی از آنها کلمه «أَطِيعُوا» تکرار نشده؛ و در برخی دیگر تکرار شده است؛ مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...»؛ در دسته نخست که «اطيعوا» تکرار نشده، می توان گفت معنای اطاعت از رسول، همان اطاعت از خداست؛ ولی در دسته دوم در باره وجه تکرار «أَطِيعُوا» با آنکه به نصّ قرآن اطاعت از رسول، همان اطاعت از خداست، مفسران نظراتی متفاوت ارائه داده‌اند.^{۲۷}

۱-۲-۳-۳-امام

امامت به معنای پیشوایی، است. امام نیز به معنای پیشوا، پیشرو، قیّم، مقتدا، مصلح، الگو، راه اصلی و راهنماست. کسی یا چیزی که مورد پیروی واقع می گردد، انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر، به حق باشد یا بر باطل، امام است. معانی متعددی در اصطلاح کلامی از این واژه ارائه شده که شایع ترین معنای آن ریاست عمومی در امور دین و دنیا است و برخی جانشینی پیامبر در حفظ دین و سیاست دنیا را در تعریف اصطلاحی آن آورده‌اند. کامل ترین تعریف را برخی، ریاست بالاصاله عمومی در امر دین و دنیا در دار تکلیف می دانند که عموم مردم را به حفظ مصالح دین و دنیایشان ترغیب و از آنچه به حال آنان زیانبار است منع کنند، بنابراین، امامت به معنای ریاست عمومی فردی خاص بر امور دین و دنیای مردم در دنیا بالاصاله یا به جانشینی از پیامبر است، زیرا امامت دارای شئونی همچون رهبری سیاسی و زعامت اجتماعی و تبیین و تفسیر وحی و مرجعیت دینی و ولایت باطنی و معنوی

است که از این جهت امام حجت خدا در زمان ، ولی الله، انسان کامل حامل معنویت کلی انسانیت و قطب است و چون امامت دارای شئون والایی است، شیعه آن را همانند نبوت به نص و امر الهی و از اصول دین (مذهب) می داند، در حالی که در دیدگاه اهل سنت از فروع دین شمرده شده و از این جهت از افعال مکلفان به شمار می آید^{۲۸} .

امامت در قرآن به گفته بیش تر مفسران، با معنای لغوی آن هماهنگ است و امام کسی است که به او اقتدا کنند و او را الگو و سرمشق خود قرار دهند؛ خواه باطل و گمراه باشد، خواه عادل و راه یافته. لفظ «امامت» در قرآن به کار نرفته؛ ولی واژه «امام» به صورت مفرد و جمع در ۱۲ مورد استفاده شده است که برخی از آنها و نیز آیات متعدد دیگر به موضوع امامت ارتباط دارد. آیات مربوط گاهی به پیشوایی بر حق بالاصاله: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»، «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» و گاهی به پیشوایی به حق به نحو جانشینی: «... وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» و گاهی به پیشوایی باطل: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» و گاهی به مفهوم جامع میان پیشوایی بر حق و باطل: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَّتِهِمْ» اشاره دارد^{۲۹} .

افزون بر آیاتی که واژه امام یا اولی الامر در آن به کار رفته است آیات فراوانی با امامت و رهبری پیوند دارد، از جمله برخی آیاتی که در آن مفهوم هدایت آمده، آیه ای که مؤمنان را به همراهی با صادقان فرا می خواند، آیه ولایت ، آیه ای که می گوید اگر به برخی در زمین قدرت داده شود نماز را برپا می دارند، زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و آیاتی که در آن از اعطای مُلک به برخی سخن به میان آمده است^{۳۰} .

در روایات فراوانی نیز، مصادیق یا تأویل آیاتی از قرآن، مانند ۸ سوره تغابن ، ۸ سوره صف و ۵۱ سوره قصص امامان معصوم (علیهم السلام) دانسته شده اند.

۱-۳-۴- ولایت

ولاء، ولایت، ولایت، ولی، مولی، اولی و امثال اینها همه از ماده ی (ولی) - و، ل، ی - اشتقاق یافته اند. این واژه از پر کاربردترین واژه های قرآن کریم است که به صورت های مختلفی به کار رفته است؛ در 124 مورد به صورت اسم و 112 مورد در قالب فعل در قرآن کریم آمده است^{۳۱} .

معنای اصلی این کلمه هم چنان که راغب اصفهانی (قدس سره) در (مفردات القرآن) گفته است، قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله ای در کار نباشد؛ یعنی اگر دو چیز آن

28 برزگر، 1389:ص28

29 برزگر، 1389:ص26

30 قاضی زاده 1382:ص32

31 قاضی زاده 1382:ص36

چنان به هم متصل باشند که هیچ چیز دیگر در میان آنها نباشد، مادّه ی (ولی) استعمال می شود. مثلاً اگر چند نفر پهلوی هم نشسته باشند و ما بخواهیم وضع و ترتیب نشستن آن ها را بیان کنیم، می گوییم: زید در صدر مجلس نشسته است (و یلیه عمرو) یعنی بلافاصله در کنار زید عمرو نشسته است. به همین مناسبت طبعاً این کلمه در مورد قرب و نزدیکی به کار رفته است اعم از قرب مکانی و قرب معنوی؛ و باز به همین مناسبت در مورد دوستی، یاری، تصدی امر، تسلط و معانی دیگر از این قبیل استعمال شده است؛ چون در همه ی اینها نوعی مباشرت و اتصال وجود دارد.^{۳۲}

برای این ماده و مشتقات آن، معانی بسیاری ذکر کرده اند. راغب اصفهانی راجع به خصوص کلمه ی (ولایت) از نظر موارد استعمال می گوید: «ولایت، به معنی نصرت است، و اما ولایت به معنی تصدی و صاحب اختیاری یک کار است. و گفته شده که معنی هر دو یکی است و حقیقت آن (تصدی و صاحب اختیاری است)».

در فرهنگ فارسی معین، برای لفظ (ولی) معانی متعددی از قبیل دوست، یار، صاحب، حافظ، آن که از جانب کسی در کاری تولیت دارد و برای (ولایت) معنی حکومت کردن بیان شده است.

پس (ولایت) همان حکومت و سرپرستی است که در ریشه ی لغوی آن نهفته است.

البته این بدان معنی نیست که تمام اختیارات مردم به ولی سپرده شود به طوری که مردم اصلاً به حساب نیایند. در مورد ولایتی که شخص بر اموال صغار دارد، صغیر اصلاً به حساب نمی آید، ولی در مورد ولایتی که ولی امر بر مردم دارد این گونه نیست که مردم هیچ انگاشته شوند.^{۳۳}

برخی (ولایت) را به معنای (قیمومیت) که لازمه ی آن تداعی (محجوریت) در موکلی علیه است پنداشته اند و نوشته اند:

«ولایت به معنای قیمومیت، مفهوماً و ماهیتاً با حکومت و حاکمیت سیاسی متفاوت است؛ زیرا ولایت حق تصرف ولی امر در اموال و حقوق اختصاصی شخصی موکلی علیه است، که به جهت از جهات، از قبیل عدم بلوغ و رشد عقلانی، دیوانگی و غیره، از تصرف در حقوق و اموال خود محروم است، در حالی که حکومت و حاکمیت سیاسی به معنای کشورداری و تدبیر امور مملکتی است...»^{۳۴}

این چنین تعریفی که نویسنده ارائه داده است، با صراحت سخنان فقها که بعد خواهد آمد، منافات دارد.

32 قاضی زاده 1382: ص 28

33 برزگر، 1389: ص 38

34 حایری یزدی، 1994

شهیدمطهری می فرماید: (معنای (ولایت) در اصطلاح و استعمال اسلامی این است: یعنی حکومتی که در آن اقتدار حاکمیت هست، ولی خودخواهی نیست؛ جزم و عزم قاطع هست اما استبداد به رأی نیست.^{۳۵}

۱-۳- گفتار دوم: روش شناسی رساله: تفسیر تنزیلی

تفسیر تنزیلی یکی از روش های تفسیر قرآن کریم است که در آن تفسیر قرآن به ترتیب نزول آیات انجام می شود. در سال های اخیر توجه بسیاری به این روش تفسیر شده است و یکی از افرادی که کارهای زیادی در این زمینه انجام داده است آقای عبدالکریم بهجت پور می باشد که در این قسمت به توضیحاتی درباره اهمیت و رویکردهای این روش می پردازیم. نکته دارای کمال اهمیت آنکه تفسیر تنزیلی به مثابه یک عملیات علمی روشمند، دارای مبانی، اصول و قواعدی است که تبیین آنها موجب طراحی یک رشته علمی جدید است و سبکی نو در تفسیرنگاری قرآن به شمار می رود؛ چرا که سبک غالب تفسیرنگاری ها نشستن پای درس آیات و سوره به ترتیب موجود در مصحف رسمی موجود در میان مسلمانان می باشد. در قرن های جدید هم با روش تفسیر موضوعی به کشف نظریات قرآن درباره موضوعات خاص پرداخته شده است و این تلاش های محققان باعث رفع بسیاری از ابهامات عارض شده بر آیات گشته و در کشف و استخراج مرادها و اغراض خدای متعال از آیات کمک نموده و به سؤالات فراوانی پاسخ داده است. ایجاد سبکی نو در نگاه به قرآن معلول نیازهای جدید می باشد.

علت تطوّر روش های تفسیر و تنوع سبک های تفسیر، نیازهای جدید بوده است و به طور مثال مسلمانان در دوره های اولیه که دسترسی به منابع اصلی همچون قرآن، سنت نبوی، سنت اهل بیت و نظرات صحابه و تابعان داشتند، تا حدود سه قرن به طور غالب سراغ منابع غیر مآثور نرفتند، اما پس از این دوره به تدریج برای یافتن پاسخ برخی پرسش ها که در مآثورات جوابی نداشت و یا داوری میان آنها- روایات هنگام تعارض و اجمال نصوص لازم بود- به روش های اجتهادی و عقلی روی آوردند و از منابع جدید بهره گرفتند.

به همین گونه به تدریج سؤالاتی مطرح شد که سبک مرسوم چنین آیات پاسخگوی آن نبود. مفسران علاقه داشتند نظر قرآن را در موضوعاتی مثل توحید، نبوت، معاد، عقل، دل، حکومت اسلامی، خانواده و موضوعاتی از این دست بدانند و یا گاه موضوعی در خارج مطرح می شد و به طور مثال در حوزه فلسفه های اقتصادی یا امکان تفسیر تاریخ و ... نظریاتی ارائه می شد که داوری و نگاه

اسلام درباره آنها از طریق چینش مصحفی امکان نداشت، بلکه این مفسر بود که با در کنار هم قرار دادن مجموعه آیات مرتبط، سعی در استخراج، ارزیابی و حتی گاه کشف نظریه قرآن می نمود.^{۳۶}

در ادامه به برخی از دلایل اعتبار این روش تفسیر اشاره می کنیم:

۱-۳-۱- سیره ابلاغی و تعلیمی رسول الله

اصلی ترین پایه و جواز اعتبار این سبک، سیره ابلاغی و تعلیمی رسول الله است. پیامبر اکرم به پیروی از جبرئیل در هر نوبت نزول آیات، شروع به خواندن آن بر مردم می فرمود و نکات لازم علمی و عملی آن را به ایشان تعلیم می داد.^{۳۷}

در خبری از براء بن عازب وارد شده که پیامبر به دنبال نزول آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (خویشاوندان نزدیکت را انداز کن) فرزندان عبدالمطلب را جمع کرد، آیه را بر آنها خواند و آنان را به اسلام دعوت کرد.

عیاشی از امیرمؤمنان (ع) نقل می کند: «كَانَ الْقُرْآنُ يُنْسَخُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَإِنَّمَا كَانَ يُؤْخَذُ مِنْ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ بِآخِرِهِ فَكَانَ مِنْ آخِرِ مَا نَزَلَ عَلَيْهِ سُورَةُ الْمَائِدَةِ نَسَخَتْ مَا قَبْلَهَا وَلَمْ يَنْسَخْهَا شَيْءٌ فَلَقَدْ نَزَلَتْ عَلَيْهِ وَهُوَ عَلَى بَعْثَةِ الشَّهْبَاءِ وَتَقَلَّ عَلَيْهِ الْوَحْيُ حَتَّى وَقَفَ وَتَدَلَّى بَطْنُهَا حَتَّى رُنِيتْ سُرَّتْهَا تَكَادُ تَمَسُّ الْأَرْضَ وَ أَعْمَى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى وَضَعَ يَدَهُ عَلَى ذُؤَابَةَ مِنْبِهِ بْنِ وَهَبٍ الْجَمْحِيِّ ثُمَّ رَفَعَ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ قَرَأَ عَلَيْنَا سُورَةَ الْمَائِدَةِ فَعَمِلَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ وَعَمَلْنَا.»^{۳۸}

امالی شیخ طوسی به نقل از هند بن ابی هاله و ابورافع و عمار بن یاسر، سه تن از اصحاب پیامبر، جریان هجرت آن حضرت را نقل می کند تا آنجا که می نویسد:

پس از تصمیم مشرکان مکه بر قتل پیامبر در دار الندوه، وحی خبر را به حضرت رساند و جبرئیل این آیه بر وی خواند: «وَ إِذِ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» فَلَمَّا أَخْبَرَهُ جِبْرَائِيلُ بِأَمْرِ اللَّهِ فِي ذَلِكَ وَ وَحِيهِ وَ مَا عَزَمَ لَهُ مِنَ الْهَجْرَةِ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ لَوْفَتَهُ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ إِنَّ الرُّوحَ هَبَطَ عَلَيَّ بِهَذِهِ الْآيَةِ أَنْفَأَ يُخْبِرُنِي أَنْ قُرَيْشًا اجْتَمَعَتْ عَلَى الْمَكْرِ بِي وَ قَتَلِي وَ إِنَّهُ أَوْحَى إِلَيَّ عَنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَهْجُرَ دَارَ قَوْمِي وَ أَنْ أَنْطَلِقَ إِلَى غَارِ ثَوْرٍ تَحْتَ لَيْلَتِي وَ أَنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمَيْتِ عَلَى ضِجَاعِي أَوْ قَالَ مَضْجَعِي لِتُخْفِيَ بِمَيْتِكَ عَلَيَّ أَثَرِي. الْحَدِيثُ. ۳۹»

36 بهجت پور، 1390

37 بهجت پور، 1389

38 مجلسی، 1403ق

39 همان، 1403ق

ابو سعید خدری می گوید: «لَمَّا نَزَلَتْ» (وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ) ۴۰ «تَغَيَّرَ لَوْنُ رَسُولِ اللَّهِ ۹ وَ عُرِفَ فِي وَجْهِهِ حَتَّى اشْتَدَّ عَلَى أَصْحَابِهِ ثُمَّ قَالَ: أَقْرَأَنِي جِبْرَائِيلُ «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» قَالَ عَلِيُّ (ع): قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يُجَاءُ بِهَا؟ قَالَ: تُؤْتَى بِهَا وَ تُقَادُ بِسَبْعِينَ أَلْفَ زِمَامٍ يَفُودُ بِكُلِّ زِمَامٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَشْرُدُ شَرْدَةً كَوْ تَرَكْتَ لِأَحْرَقَتْ أَهْلَ الْجَمْعِ. ۴۱»

از این روایت که نظایر آن زیاد است، معلوم می شود که تعلیم آیات و محتوای حلال و حرام آنها به دنبال هر واحد نزول صورت می گرفت. پس روش تعلیمی قرآن از سوی پیامبر به ترتیب طبیعی نزول آیات و سوره بود.

۱-۳-۲- ویژگی مصحف امیرمؤمنان(ع)

درست آنکه مصاحف صحابه قرآن خالص نبود، بلکه ترکیبی مزجی از قرآن و بیانات رسول الله و تفاسیر وی بود. به عبارت بهتر، مصاحف، تفاسیر فراهم آمده از بیانات پیامبر اکرم به تقریر صحابه بود. مصحف امیرمؤمنان(ع) نیز همین گونه بود ۴۲.

مصحف، محلی را گویند که اوراق در آن جای می گیرد (راغب) و حتی بر غیر قرآن اطلاق می شود، چنان که مصحف فاطمه به این نام نامیده می شود. در حالی که امام صادق(ع) می فرماید: «از قرآن حتی یک حرف در آن نبود و از حلال و حرام در آن نیامده بود. ۴۳»

بنابراین اطلاق مصحف بر قرآن مجرد از تفسیر و توضیح اگر علم شده باشد، به عنوان علم بالغلبه و سالها پس از تدوین قرآن مجرد یا حداکثر همزمان با تدوین آن بوده است. در مصاحف صحابه گزارش هایی از تغییر کلمات، اضافه شدن نکات تکمیلی، حذف و اضافه سوره ها و نظایر آنها وجود داشت که تفسیری بودن این متون را روشن می ساخت. مصحف امیرمؤمنان(ع) نیز نوعی تفسیرنگاری از قرآن بود. در این مصحف علاوه بر ترتیب نزول سوره ها، اسباب نزول آیات، اشخاصی که آیات در مورد آنان نازل شده، مکان و زمان نزول آیات، تأویل و تفسیر آیات، ناسخ و منسوخ به معنای عام (شامل مطلق و مقید، عام و خاص و هرگونه نظارت آیه ای بر آیه دیگر) گزارش شده بود. امیرمؤمنان(ع) این مصحف را از املائی پیامبر گرفته بود. خود در این باره می فرماید: «ما نزلت آیه علی رسول الله إلا أقرأنيها و أملاها علي، فأكتبها بخطي، و علمني تأويلها و تفسيرها و ناسخها و منسوخها و

40 (فجر/۲۳)

41 قرطبي، 1364 ش

42 بهجت پور، 1389

43 اعلمی، ۱۶۲/۱۷

محکمها و متشابه ها، و دعا الله لی أن یعلمنی فهمها و حفظها، فما نسیت آیه من کتاب الله و لا علم إملائه علی فکتبته منذ دعا لی بما دعا.^{۴۴}»

ظاهر این کلام اشعار دارد که تفسیر آن حضرت روزنگاری متعاقب نزول آیات و سور بود. مصحف با همین ویژگی و با تأکیدات پیامبر از سوی امام علی (ع) برای دیگر اوصیا به یادگار گذاشته شد.

۱-۳-۳- ترغیب به ترتیب نزول

ظاهر برخی کلمات وارد شده در لا به لای روایات اهل بیت: بر مشروعیت این سبک گواه است. به طور مثال از امام صادق (ع) وارد شده: «لَوْ قُرِءَ الْقُرْآنُ كَمَا أَنْزَلَ لَأَلْفَيْتَنَا فِيهِ مُسَمِّنًا.»^{۴۵}

مراد از اسم در اینجا ویژگی ها و صفات است. چنان که در (عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا)^{۴۶} مفسرین دانش «تسمیه» را دانش ویژگی و صفات اشیاء دانسته اند.

سید جعفر مرتضی عاملی در این خصوص می نویسد: «مراد از «کما انزل» تنزیلات و تفاسیری بود که اسامی اهل حق و باطل و خصایص آنها را ذکر کرده بود، اگر اینها در کنار آیات قرار می گرفتند، موجب روشن شدن حقایق می شدند.»

به نظر می رسد تصریح امام به قرائت قرآن کما انزل، اشاره به تنزیلات و تطبیقات ندارد، بلکه اشاره به ویژگی های خود قرآن در شکل ترتیب نزولی دارد. به عبارت دیگر اگر قرآن به همان شکلی که نازل شده بود قرائت می شد، سیاق و ترتیبش حقایقی را روشن می کرد که از ترتیب کنونی به دست نمی آید.^{۴۷}

عبارت امیرمؤمنان (ع) مؤید این برداشت است: «كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى شِعْتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ.»^{۴۸}

علی بن الحکم از سیف از ابی بکر خضرمی از امام صادق (ع) جریان تألیف نوشته های پیش پیامبر را توسط امیرمؤمنان (ع) نقل می کند، سپس به نقل از پیامبر اکرم می فرماید: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ مَا اخْتَلَفَ أَثْنَان.»^{۴۹}

44 بحرانی، 1416ق

45 عیاشی، 1380ق

46 (بقره/۳۱)

47 بهجت پور، 1389

48 نعمانی، باب ۲۱

49 بحرانی، 1416ق

هر چند این روایات اشاره به خود قرآن و تلاوت آن به ترتیب نزول دارد، اما با توجه به اینکه ائمه اطهار: مردم را به همین قرآن ارجاع داده‌اند، معلوم است که این بیانات در مقام تحسّر است و مصلحت دنیای اسلام در تغییر تألیف قرآن توسط شیعیان نیست، اما همین معنا استفاده می‌شود که آنجا که مانعی از فهم آیات به ترتیب طبیعی نزول نباشد و به مخالفت با چینش طبیعی مصحف فعلی نینجامد، تفسیر نه تنها مورد سکوت نبوده، بلکه مورد علاقه و اشتیاق اهل بیت: می‌باشد.

۱-۳-۴- استنادات ائمه اطهار: به ترتیب نزول

ائمه اطهار خود بر طبق ترتیب نزول برخی از مشکلات تفسیری را حل می‌کردند. مثلاً در مورد مراد از عفو در آیه (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ) از امام صادق (ع) سؤال شد ایشان فرمودند: «الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/ ۶۷) نَزَلَتْ هَذِهِ بَعْدَ هَذَا^{۵۱}.

یعنی آنکه مراد از عفو حالتی میان اسراف و بسته نگاه داشتن دست است و شاهد مطلب اینکه آیه اول (در سوره بقره) پس از آیه دوم (در سوره فرقان) نازل شد و لذا مفسر آیه سوره بقره است. توجه دارید که سوره فرقان در جدول نزول در ردیف ۴۳ قرار دارد، در حالی که سوره بقره در ردیف ۸۶ قرار گرفته است.

نمونه دیگر در بیانات امام باقر (ع) است: «وَسُورَةُ النُّورِ أُنزِلَتْ بَعْدَ سُورَةِ النِّسَاءِ وَتَصَدِيقُ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ فِي سُورَةِ النِّسَاءِ (وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَهُ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا) وَالسَّبِيلُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ...»^{۵۲}

شبهه همین استدلال در تفسیر نعمانی ذیل آیه نور به طور مستند و مشروح از امیرمؤمنان (ع) آمده است. بر اساس این روایات از جمع بین دو آیه در سوره نساء (ترتیب نزول ۹۲) و نور (ترتیب نزول ۱۰۳) در مورد زنان مرتکب زنا، مقدار مجازات آنها تعیین شده است.

۱-۳-۵- قیاس با سبک موضوعی

مفسران در کشف مرادهای خدای متعال تنها به سبک ترتیب مصحفی عمل نکرده‌اند، بلکه از سبک تفسیر به ترتیب موضوعی نیز بهره برده‌اند و از این طریق لایه‌هایی از مرادهای خدای متعال را

50 (بقره/ ۲۱۹)
51 حویزی، 1415ق
52 همان، 1415ق

استخراج کرده‌اند که از سبک ترتیب، مصحفی به دست نمی‌آید. این مطلب نشان می‌دهد که سبک‌های تفسیری نقش طریقی دارند و هر طریقی که بتواند ما را در فهم و کشف آیات مساعدت کند، جایز است، مگر آنکه مانعی از آن باشد.

تفسیر بر اساس ترتیب نزول از دو جهت بی‌اشکال است: اول آنکه این سبک تفسیر در زمان پیامبر معمول بوده و جهت دوم نزول قرآن به همین سبک بوده و معلوم است که اگر چینش و تدوین سوره‌ها به ترتیب مصحفی احتمالاً دارای حکمت است، اما اثبات صحّت این سبک نیاز به اثبات مشروعیت چینش سوره‌ها به همین ترتیب فعلی از سوی رسول الله و یا اجازه اهل بیت: دارد، در حالی که ترتیب طبیعی نزول سوره‌ها به طور قطع دارای حکمت می‌باشد.

نکته تکمیلی آنکه این سبک تفسیری را می‌توان شاخه‌ای از تفسیر موضوعی قلمداد کرد، به این معنا که اگر کشف جریان تحول فرهنگی و دینی جامعه رسول الله در پرتو نزول قرآن مورد اهتمام مفسر باشد چاره‌ای ندارد مگر آنکه این هدف را از طریق ترتیب نزول طبیعی سوره‌ها و آیات قرآن پیگیری کند.^{۵۳}

در پژوهش حاضر با هدف پیگیری روند زمینه سازی و ایجاد حاکمیت سیاسی توسط پیامبر اکرم به کمک آیات وحی، از تفسیر تنزیلی آیاتی که محتوای سیاسی و حاکمیت سیاسی دارند بهره گرفته شده است که البته این روش در کنار روش تفسیر موضوعی به کار گرفته شده است. یعنی ابتدا بر اساس کتب تفسیر موضوعی به کشف آیاتی که محتوا و هدف حاکمیت سیاسی را دنبال می‌کرده‌اند پرداخته ایم و سپس به دنبال ترتیب نزول آنها رفته و به کمک تفسیر تنزیلی سیر زمینه سازی ایجاد حکومت در مدینه توسط پیامبر اکرم را دنبال نموده ایم.